

بررسی تأثیر رسانه بر شخصیت از منظر حکمت صدرایی

الهام جعفری^۱، مجید صادقی حسن آبادی^۲

چکیده

رسانه در اختیار ما قرار میدهد. در این بررسی، ضمن بیان الگوهای تأثیرات رسانه، نحوه تأثیرگذاری محتوای رسانه‌ها بر جوهر و ذات انسان مورد توجه قرار گرفته و تبیین میشود که بر اساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی، چگونه این تعاملات میتوانند به تغییرات بنیادین در شخصیت و ادراک انسان منجر شوند. نتایج تحقیق نشان میدهد که استفاده مداوم و بی‌رویه از رسانه میتواند به تحولاتی عمیق در ساحت‌های مختلف شخصیتی، از جمله اخلاق، هویت و خودآگاهی منجر شود.

کلیدواژگان: رسانه، شخصیت، ملاصدرا، نظریه رسانه‌ها.

مقدمه

انسان‌شناسی صدرایی بعنوان یک چارچوب فلسفی غنی، زمینه‌ی مناسب و بنیادین برای

رسانه‌ها بعنوان پدیده‌های نوین عصر حاضر، تأثیراتی گسترده بر ابعاد مختلف زندگی انسانها داشته‌اند و بهمین دلیل، گستره‌ی وسیع از پژوهش‌های حوزه رسانه به بررسی تأثیرات رسانه بر انسان اختصاص یافته است. برخلاف پژوهش‌های چشمگیر مرتبط با نظریات رسانه، کمتر پژوهشی به بررسی زیرساختها و مبانی فکری این نظریات پرداخته است. مقاله پیش‌رو به بررسی تأثیر رسانه‌ها بر شخصیت انسان از منظر فلسفه صدرایی می‌پردازد و بدنبال آنست که نظریه‌های حوزه رسانه را با مبانی صدرایی بحث شخصیت مورد مذاقه قرار دهد. فلسفه ملاصدرا با تأکید بر اصولی همچون حرکت جوهری و اتحاد عاقل و معقول، چارچوبی عمیق و گسترده برای تحلیل تغییرات شخصیتی ناشی از تعامل با

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ elham.jafari1399@gmail.com

۲. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)؛ majd@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۳۱ نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15600874.1404.31.1.7.1

تحلیل دقیقتر تأثیرات رسانه بر شخصیت انسانی فراهم می‌آورد. در این نگرش، انسان موجودی یکپارچه و چندبعدی در نظر گرفته میشود که ویژگیهایی چون حس، خیال و عقل را در خود دارد. در دیدگاه صدرایی، این ابعاد در یک هستی یگانه و متحد تجلی می‌یابند. قلمروهای مختلف وجود انسانی، از جمله عقل، خیال و حواس، همگی به یکدیگر مرتبطند و تأثیر و تأثر متقابل دارند. عبارت دیگر، انسان نه موجودی صرفاً عقلانی، بلکه موجودی است که دارای ابعاد حسی و خیالی نیز هست. از این منظر، تأثیرات رسانه‌ها بر این ابعاد مختلف میتواند بشیوه‌های متفاوت و در سطوح گوناگون عمل کند و بر ساختار کلی شخصیت فرد اثرگذار باشد؛ این تأثیرات بسته به سطح ادراکی و وجودی فرد، متفاوت است، بدین معنا که در تحلیل تأثیر رسانه‌ها، باید به تفاوت‌های فردی در توانمندی‌های عقلانی و احساسی توجه داشت. برای مثال، رسانه‌ها میتوانند از طریق تحریک عواطف و تخیلات فرد، بسادگی او را بسمت واکنش‌های احساسی سوق دهند، درحالی‌که در افرادی با سطوح عقلانی بالاتر، این تأثیرات میتوانند بطور پیچیده‌تری، از طریق پردازش‌های شناختی و عقلانی عمل کنند.

نوشتار پیش‌رو در سه بخش تنظیم شده است. در بخش اول، مبانی انسان‌شناسی نظریه شخصیت در اندیشه ملاصدرا مطرح شده و با

توجه به آن، به شخصیت انسان در فلسفه او پرداخته‌ایم. در بخش بعدی، به رسانه و نظریات حوزه رسانه و انواع آثار رسانه‌یی اشاره شده است و در فصل آخر، با توجه به مطالب دو بخش نخست، بشیوه تحلیلی، تأثیر رسانه بر شخصیت از نگاه فلسفه صدرایی بررسی میگردد.

با توجه به تأثیرات گسترده و عمیق رسانه‌ها بر شخصیت انسانی، ضرورت دارد سیاست‌گذاری‌های رسانه‌یی به این ابعاد مختلف توجه داشته باشند. در سیاست‌گذاری رسانه‌یی، باید همزمان به ابعاد حسی، خیالی و عقلانی انسان توجه شود و رسانه‌ها از این منظر طراحی و تولید گردند. این امر بویژه در جهان معاصر که رسانه‌ها نقشی بیسابقه در شکلدهی به هویت و نگرش‌های اجتماعی دارند، اهمیتی خاص پیدا میکند. در این راستا، سیاست‌گذاران رسانه‌یی در کشور ما باید توجه داشته باشند که رسانه‌ها صرفاً ابزاری برای انتقال پیام یا سرگرمی نیستند، بلکه ابزارهایی پیچیده و تأثیرگذارند که میتوانند بشیوه‌های مختلف و با شدت‌های گوناگون، بر ابعاد مختلف شخصیت فرد اثرگذار باشند؛ بنابراین، تولید محتوای رسانه‌یی باید بگونه‌یی صورت گیرد که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه داشته باشد. این فرایند نه تنها باید با توجه به نیازهای حسی و تخیلی مخاطب طراحی شود، بلکه باید به رشد و تعالی عقلانیت و تفکر فردی نیز کمک کند.

مبانی انسان‌شناسی نظریه شخصیت ملاصدرا

مهمترین مبانی مرتبط با نظریه شخصیت در نظام صدرایی، نظریات انسان‌شناسی، بویژه مباحث مرتبط با نفس‌شناسی صدرایی است. ابتدا برخی از این مبانی را تبیین میکنیم و در ادامه به چستی شخصیت از خلال نظریات صدرالمتألهین خواهیم پرداخت.

۱. نفس

نخستین مفهومی که بدلیل ارتباط تنگاتنگ با شخصیت، میتواند نقشی اساسی در شناخت ماهیت انسان از دیدگاه صدرالمتألهین ایفا کند، نفس است. سه تعریف برای نفس بیان شده است. یک تعریف که عبدالرسول عبودیت آن را تعریف اصلی نفس میداند، نفس را به کمال اول جسم طبیعی آلی تعریف میکند: «هی الکمال الأول لجسم طبیعی آلی؛ آن (نفس) کمال اول برای جسم طبیعی آلی است» (ملاصدرا، ۱۳۹۸: ۱۵).

کمال در این تعریف، چیزی است که با پیوستن به شیء ناقص، آن را کامل میکند؛ مثل فصل که با پیوستن به ماهیت ناقص جنسی، آن را به ماهیت نوعی تام تبدیل کرده و بدین ترتیب، نقص ذاتی آن را رفع میکند. بعقیده نگارندگان، این تعریف از کمال بر مبنای فلسفه مشاء صحیح بنظر میرسد، اما با آنچه ملاصدرا از حرکت جوهری و رابطه نفس با بدن ترسیم میکند،

همخوانی ندارد. در تبیین رابطه نفس و بدن، این موضوع را شرح خواهیم داد.

تعریف دوم که بنوعی بیانگر مسمای نفس است، آن را مبدأ رفتارهای متفاوت در اجسام میداند و تعریف سوم که مورد تأکید ملاصدراست، نفس را مبدئی در اجسام تلقی میکند که از طریق قوا، آثاری از آن صادر میشود. در نهایت، عبودیت کوشیده از مجموعه تعاریفی که برای نفس ذکر شده، تعریفی جامع بدست دهد و آن همان کمال اول بودن، بمعنای مبدأ اثر بودن، در جسم طبیعی است که از طریق بکارگیری قوا کار میکند (عبودیت، ۱۳۸۸: ۳/ ۷۷).

۲. حرکت جوهری

بسیاری حرکت جوهری را از اصول بنیادین حکمت متعالیه و متمایزکننده فلسفه ملاصدرا از دیگر نظامهای فلسفی دانسته‌اند. بر اساس نظریه حرکت جوهری، جوهر شیء مدام در حال تغییر، سیلان و نو به نو شدن است. صدرالمتألهین اذعان دارد که منظور از جواهر در اینجا، ماهیت شیء نیست که در حال تجدد و نو شدن است، بلکه وجود و نحوه وجود آن است (ملاصدرا، ۱۳۹۱: ۱۵۶). این اصل، تأثیری شگرف بر تبیین پیدایش نفس و شکلگیری شخصیت انسان دارد. بر اساس این اصل، انسان از یک وحدت شخصی وجودی برخوردار است که از

جینی در سیر تشکیکی خود به حرکت جوهری ادامه می‌دهد، مراتب را یکی پس از دیگری از نباتیت و حیوانیت طی میکند و همه این کمالات را در مسیر راه محفوظ میدارد تا به انسان بودن برسد. در این مرحله، وجود انسانی جمیع کمالات را از مرتبه جینی تا انسانی واجد است (لُبس بعد از لُبس) (آشتیانی، ۱۳۷۸: ۵۹-۵۶).

بیتردید، این نظریه، فصلی جدید را در معرفی و شخصیت انسان می‌گشاید. تغییر و تکامل شخصیت و عوامل مؤثر در این تکامل، بکمک این اصل فلسفی، بنحوی دیگر تبیین میگردد.

۳. حدود و بقای نفس؛ «النفس جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء»

این اصل که از کلیدیترین مؤلفه‌های نفس‌شناسی متعالیه است، با تکیه بر نظریه حرکت جوهری مطرح میشود. بر اساس این قاعده، نفس در آغاز پیدایش خود در نشئه دنیا و عالم طبیعت، نیازمند زمینه مادی است، اما در بقا و دوام، مستقل از ماده و شرایط مادی خواهد بود. درحقیقت، حرکت جوهری صورت نوعیه بدن است که در نهایت به شکلگیری نفس منجر خواهد شد (ملاصدرا، ۱۳۹۸: ۸ / ۴۰۲).

صورت نوعیه، همان حقیقت و هویت بدن است که آن را از سایر موجودات متمایز می‌سازد. بدن انسان تنها یک مجموعه از اجزاء مادی

نیست، بلکه دارای صورتی است که آن را در مسیری خاص از تحولات قرار می‌دهد. حرکت جوهری در جوهر بدن، بواسطه همین صورت نوعیه رخ می‌دهد و موجب تکامل تدریجی آن میشود. از نظر ملاصدرا، این حرکت جوهری بدن در نهایت به پیدایش نفس می‌انجامد؛ به این معنا که نفس انسانی، برخلاف دیدگاه مشائین که آن را امری مجرد و از پیش موجود میدانستند، بتدریج از دل حرکت جوهری بدن پدید می‌آید. نفس از صورت تکون می‌یابد و این مسئله بر اثر حرکت جوهری اشتدادی رخ می‌دهد؛ به این شکل که در روند حرکت جوهری، صورت عنصری بصورتی معدنی و سپس نفس نباتی و نفس مجرد، تبدیل میشود. بدین ترتیب، حرکت جوهری، حلقه واسطه بین ماده و تجرد است. ابتدا، بدن انسان از طریق این حرکت در مسیر تکامل قرار می‌گیرد و در نقطه‌یی خاص که ظرفیت لازم در آن ایجاد شد، نفس از آن پدید می‌آید؛ اما این پایان مسیر نیست، چراکه همین حرکت جوهری، پس از پدید آمدن نفس، ادامه می‌یابد و موجب تکامل بیشتر نفس میشود، تا جاییکه از ماده فاصله گرفته و به یک حقیقت مجرد تبدیل میشود (همو، ۱۳۹۷ الف: ۴۹۶).

۴. رابطه اتحادی نفس و بدن

ملاصدرا با اثبات دو اصل حرکت جوهری و جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس،

ساختار دوگانه انسان را انکار میکند. از نظر وی، انسان حقیقتی واحد است که نفس مجرد، یک مرتبه از این حقیقت و بدن مادی، مرتبه دیگری از آن است. با این بیان، ثنویت نفس و بدن ابطال میشود و هرگونه گمان جدایی وجودی بین این دو، از بین میرود، زیرا از نظر صدرالمتألهین، نفس ادامه وجود بدن است که پس از پشت سر گذاشتن عوالم جمادی، نباتی و حیوانی، وجودش را کاملتر کرده، همچون مراحل پیشین، آماده پذیرش فیض حق تعالی میشود و چون از عالم مادی بالاتر گذاشت، کمالی که در این هنگام بر او افزوده میشود، از سنخی دیگر است؛ در این فرایند، یک وجود مطرح است که در حرکت جوهریش، از کمالی خاص بنام نفس برخوردار شده است (همان: ۱۵۴ و ۴۲۵-۴۴۱).

با این تفاسیر، آنچه در تعریف نفس از کمال در ابتدای امر بیان شد، طبق نظر ملاصدرا صحیح نیست، چون کمال بودن نفس برای جسم طبیعی آلی، با اتصال و پیوستن به آن صورت نمیگیرد، بلکه نفس و بدن با یکدیگر متحدند و نفس ادامه وجود بدن است.

۵. اراده

ملاصدرا میان قدرت و اراده انسان پیوند برقرار کرده و اراده را میلی شدید پس از تصور یک عمل میداند که انسان را به انجام

آن قادر میسازد. او اراده را دارای مراتب و حقیقتی مشکک در نظر میگیرد که بمیزان ذات و هستی هر موجود، متفاوت است. بیاور وی، هیچ عملی بدون نیت قبلی و شکلگیری در ذات انسان رخ نمیدهد. فرایند عمل ارادی بدین ترتیب است: نخست فرد عمل را در ذات خود تصور میکند، سپس سودمندی آن را تصدیق کرده و با ایجاد شوق، اراده شکل میگیرد. این اراده از مراتب وجودی عبور کرده و به نیروی محرکه اعضای بدن میرسد. از اینرو، هر حرکت ارادی، از فکر و تخیل آغاز شده، با شوق و اراده ادامه یافته و سرانجام به عمل بیرونی منجر میشود (همو، ۱۳۸۰: ۲/ ۲۷۴-۲۷۳).

۶. اتحاد عاقل و معقول

اتحاد نفس با مدرکات، از مسائل کلیدی در مبحث شناخت نفس است. از دیدگاه ملاصدرا، نفس ناطقه با حقایق عالم هستی متحد میشود؛ بدین معنا که صورتهای ادراکی، خواه محسوس و خواه معقول، وجودشان با وجود ادراککننده، یعنی نفس، هماهنگ میشود. به اعتقاد ملاصدرا، نفس در هر مرحله وجودی، با موجودات آن مرحله متحد میشود، بگونه‌یی که با بدن طبیعی، همان بدن و با حس، همان حس و با خیال، همان خیال و با عقل، همان عقل می‌گردد (همو، ۱۳۹۱: ۷۲).

پیشرفت و تکامل علم در انسان، موجب تعالی وجودی و کمال نفس او میشود. بر اساس قاعده اتحاد عالم و معلوم، ادراک‌کننده در مراتب مختلف ادراک، با مدرک خود متحد میشود. به این ترتیب، نفس بعنوان ماده‌یی که با پذیرش صور ادراکی دگرگون میشود، با این صور به نوعی یگانگی دست می‌یابد. در هر مرحله از ادراک، بواسطه حرکت جوهری نفس، تغییری جوهری در آن ایجاد میشود، بطوریکه نفس، با هر دستاورد علمی، قابلیت بالقوه خود را به فعلیت میرساند و همزمان، وحدت و هویت خود را نیز حفظ میکند. در این فرایند، نفس نه‌تنها حالت انفعالی ندارد، بلکه دارای نوعی قدرت خلاقانه، مشابه قدرت خلاق الهی است که به خلق صور و مفاهیم جدید می‌پردازد که نوعی پیوند صدوری با نفس دارند و بواسطه آن با نفس مرتبطند. از این دیدگاه، علم و معرفت موجب تحول و تکامل نفس میشود و با هر اندیشه‌یی که پدید می‌آید، وجودی نو برای نفس خلق میگردد (همان: ۲۹۲-۲۸۹).

تعریف شخصیت

امروزه یکی از اساسیترین مباحث در علم روان‌شناسی، مسئله شخصیت و پژوهشهای حوزه نظریات شخصیتی است. شخصیت در اصطلاح، به ویژگیهای بیرونی قابل مشاهده رفتارهای افراد و میزان تأثیرگذاری و تطابق

خواسته‌ها و انتظارات اجتماعی آنها اشاره دارد (ریاحی، ۱۳۹۹: ۶۷). اینکه بخواهیم واژه شخصیت را در قالب تعریفی جامع بیاوریم، امری دشوار است، زیرا شخصیت مفهومی انتزاعی است و از طریق انسجام و هماهنگی مجموعه‌یی از خصوصیات مختلف از عواطف و هیجانات گرفته تا افکار و ادراکات معنا پیدا میکند و بنوعی، طیفی از فرایندهای درونی و ذهنی را دربرمیگیرد که افراد را به انجام رفتار خاصی هدایت میکنند. با این حال و برغم ماهیت انتزاعی این واژه، محققان شخصیت را چنین تعریف کرده‌اند:

شخصیت، مجموعه پویا و سازمان‌یافته‌یی از خصوصیات است که بطرز منحصربفردی بر شناخت و افکار، انگیزه‌ها و رفتار شخص در وضعیتهای مختلف تأثیر میگذارد. شخصیت، یک سازه روانی است، بعبارت دیگر، انتزاع پیچیده‌یی متشکل از سابقه ژنتیکی منحصربفرد اشخاص و پیشینه یادگیریهای آنهاست و عامل یادشده، پاسخهای شخص در محیطها و وضعیتهای مختلف را تحت تأثیر قرار میدهد. بنابراین بسیاری از محققان، بررسی شخصیت را در درجه اول تحلیل علمی تفاوت‌های فردی میدانند که اجازه میدهد بفهمیم آدمها، چرا و چطور در برابر الزامات محیطی و وضعیتی، واکنشهای منحصربفردی نشان میدهند که غالباً خلاقانه هستند (رایکمن، ۱۳۹۶: ۵-۶).

شخصیت در حکمت متعالیه

شخصیت بمعنای رایج روانشناسی امروزی، در آثار ملاصدرا بطور صریح مطرح نشده، اما با توجه به گستردگی و نوآوریهای ملاصدرا در مباحث نفس‌شناسی، میتوان از مجموعه‌یی از مبانی نظری، به نظریه شخصیت در اندیشه وی دست یافت.

برخی معتقدند در حکمت متعالیه معادل واژه شخصیت، مفهوم «شاکله وجودی» قرار دارد (قربان‌زاده، ۱۴۰۱). در آثار ملاصدرا، شاکله در دو موضع بکار برده شده که در راستای یکدیگرند:

الف) بمعنای شخصیت، یعنی هیئت و ساخت روحی و روانی آدمی؛ بعبارت دقیقتر، طبیعت ثانویه شکل گرفته از افکار و اعمال انسان که بروز ظاهری و نحوه رفتار در آن گنجانیده شده است. «هذه الفعلية لا ينافي الشقاوة الأخروية إذ ربما يصير شيطانياً بالفعل أو على شاکله ما غلبت عليه صفاته الردية» (ملاصدرا، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

ب) بمعنای مناسبت و سنخیت؛ در حکمت متعالیه، در مبحث آفرینش، با تکیه بر اصل سنخیت و بر اساس اصول اصالت وجود و تشکیک حقیقت واحده وجود، پیوسته میان علت و معلول، و فعل و فاعل، رابطه ذاتی و سنخیت وجودی حاکم است. شاکله در اینجا معادل فطرت، یعنی خلقت و طبیعت نخستین، بکار رفته است. «قال الله تعالى قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى

شاکلته، أي لا يعمل إلا ما يشابهه بمعنى أن الذي يظهر منه يدل على ما هو في نفسه عليه ولا شك في أن العالم عمل الله و صنعته فعمله على شاکلته فما في العالم شيء إلا و له في الله أصله» (همو، ۱۳۸۶: ۱ / ۵۲۹).

در این دیدگاه، هرچند انسانها فطرتی واحد دارند، اما شخصیت‌هایشان متفاوت از همدیگر است. فطرت واحد بمعنای برخورداری از طبیعت مشترک و مساوی در خلقت است، اما شخصیت به شاکله وجودی هر فرد اطلاق میشود که مجموعه‌یی از صفات طبیعی و اکتسابی که تعیین‌کننده مسیر زندگی اوست.

بر اساس اندیشه صدرایی، همچنانکه وجود انسان در حال دگرگونی و تکامل دائمی است، شخصیت او نیز همانند رودخانه‌یی در جریان است. هرچند این شخصیت کلی در ظاهر ثابت بنظر میرسد، اما در واقع پیوسته در جریان استکمال و تحول وجودی قرار دارد و همواره در حال تغییر و پیشرفت است. این مفهوم به تفسیر روانشناختی شخصیت شباهت دارد که بر اساس آن، رفتار و کردار انسان از درون و طبیعت فرد نشئت میگیرد.

از دیدگاه ملاصدرا، افعال مستمر انسان، اگر با آگاهی و هدفمندی همراه باشد، ابتدا بصورت صناعت ظاهر میشوند، سپس به عادت تبدیل شده و درنهایت، ملکه میشوند. این ملکات که از انتخاب و اراده شخص

ناشی میشوند، به رفتارهای فرد جهت داده و حتی به بخشی از ماهیت وجودی او تبدیل میگردند. در صورت تکرار و عبور از مرحله ملکه، این اعمال و صفات به «فصل مقوم» فرد و بخشی از حقیقت او تبدیل میشوند (احمدی، ۱۳۹۹: ۷۵).

برخی محققان در این حوزه به بررسی دقیقتر و جزئیتر شخصیت در آثار ملاصدرا پرداخته‌اند. آنها بر این باورند که اصطلاح شخصیت واژه‌ی غریب در شبکه باور صدرایی نبوده، بلکه در چهار حوزه فکری: تشخص فلسفی، اینهمانی شخصی، شخصیت اخلاقی-فلسفی، و وجود خاص فردی (حقیقت مخصوص به هر شخص) قابل بررسی است. با واکاوی این چهار حوزه فکری در آثار ملاصدرا میتوان الگوی شخصیت فلسفی صدرالمتألهین را در قالب طرحی طولی ارائه داد. در این صورت این طرح شامل سه مرتبه طولی خواهد بود: فطرت عام، بعنوان عامل زمینه‌ساز شخصیت؛ شخصیت، غیرارادی پایه؛ شخصیت ارادی خاص (همان: ۶۵).

مراتب شخصیت انسان

۱- فطرت عام

اولین مرتبه از مراتب طولی شخصیت انسانی که بعنوان زمینه‌ساز شخصیت در نظر گرفته میشود، فطرت عام و خلقت مشترک انسان است. این مرتبه مبتنی بر استعداد ذاتی

انسان برای رسیدن به مراتب مختلف وجودی است. میتوان این مرحله را با مرتبه فطرت و سنخیت مرتبط دانست که در بحث از مفهوم شاکله نیز مطرح خواهد شد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۰۵).

۲- شخصیت غیرارادی پایه

مرتبه بعدی، شخصیت غیرارادی پایه است. ملاصدرا عوامل گوناگونی را بر شکلدهی شخصیت انسان مؤثر میداند. در این بین، برخی از عوامل شکل‌دهنده شخصیت غیرارادی پایه انسان هستند. این عوامل خود به دو دسته عوامل مؤثر پیش از تولد و عوامل مؤثر پس از تولد تقسیم میشوند.

عوامل مؤثر پیش از تولد

بعقیده ملاصدرا، دو عامل میزان کثافت و لطافت مواد عالم طبیعت و مزاج حاصل از آن، و حالات و ویژگیهای شخصیتی والدین، نقشی مؤثر در شکلگیری شخصیت غیرارادی انسان دارند. در نظام اصالت وجود ملاصدرا، فطرت عام انسانی که زمینه‌ساز شخصیت در نظر گرفته میشود، در صفا و کدورت و شدت و ضعف میان افراد متفاوت است. از دیدگاه او، انسان در آغاز شکلگیری خود از مواد و عناصر موجود در عالم مادی بوجود می‌آید و شخصیت انسان از مبدأ قابل نشئت میگیرد (ملاصدرا، ۱۳۹۸: ۸/

۱). این مبدأ قابل‌ی یا همان هیولای انسانی، تنها پذیرای صورتی است که متناسب با آن است. از آنجاکه مواد سفلی که برای هر روح انسانی در عالم وجود دارد، از نظر لطافت و کثافت متفاوتند و مزاجهای بدن‌ها در نزدیکی یا دوری از اعتدال حقیقی مختلفند، قابلیت این مواد برای پذیرش ارواح نیز متغیر خواهد بود. ملاصدرا بر این باور است که پیدایش هر صورت یا نفس از مبدأ دائم‌الفیض، تنها بر اساس استعداد قوایل ممکن است و بدن زمانی قادر به پذیرش نفس میشود که در آن مزاجی مناسب برای آن نفس، بوجود آمده باشد (همو، ۱۳۹۷: ب: ۱۶).

بنابراین، در فلسفه ملاصدرا، شخصیت غیرارادی انسان در ابتداییترین مراحل تکوین جنینی، وابسته به کیفیت ترکیب عناصر مادی اولیه و مزاج حاصل از آن است. این مزاج در هر فرد، بواسطه میزان هماهنگی و دوری از تضاد، کمالی متناسب با صورت نفسانی خود را دریافت میکند.

شخصیت انسان صدرایی علاوه بر مزاج در ابتدای تکون جسمانی خویش، متأثر از حالت پدر و مادر بر اساس عوامل وراثتی است:

انّ الانسان قد يرث من أبويه آثار ما هما عليه من جميل السيرة و قبيحها، كما يرث تشابههما في خلقتهما و لهذا قال تعالى و كان ابوهما صالحاً و على نحو ما روی أنه قال في التوراة إني اذا رضيت باركت و ان برکتی لتبلغ البطن السابع و اذا سخطت لعنت و ان لعنتی لتبلغ البطن السابع

تنبیها علی أن الخیر و الشر الذی یکتسبه الانسان و یتخلق به یبقی أثره موروثاً الی البطن السابع؛ بیگمان، انسان ممکن است از پدر و مادر خود آثار آنچه را که آن دو بر آن هستند، از نیکو بودن سیرت و زشتی آن، به ارث ببرد، همانگونه که شباهت آنها را در آفرینش به ارث میبرد؛ و بهمین دلیل، خداوند متعال فرمود: «وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا (و پدرشان نیکوکار بود)، و بهمان صورت، آنچه روایت شده که در تورات گفته شده است: «همانا اگر من خشنود شوم، برکت میدهم و همانا برکت من به نسل هفتم میرسد و اگر به خشم آیم، لعنت میکنم و همانا لعنت من به نسل هفتم میرسد»، هشدار است بر اینکه خیر و شری که انسان کسب میکند و به آن خو میگیرد، اثر آن تا نسل هفتم به ارث میماند (همو: ۱۳۸۹: الف: ۲۳).

عوامل مؤثر پس از تولد

دسته دیگر از عوامل، عوامل مؤثر پس از تولد و بعبارتی، عوامل محیطی هستند. در این میان، ملاصدرا اختلاف در پاک‌ی شیر و غذایی که به طفل داده میشود، تفاوت احوال و شخصیت والدین در آموختن، تأدیب و عادت دادن به خویهای نیک و بد، و نیز استاد آموزش دهنده به کودک را در شکلدهی شخصیت انسان تأثیرگذار میداند (همان: ۲۴۰). این عوامل به همراه عوامل وراثتی و مزاجی پیش از تولد، شخصیت غیرارادی پایه صدرایی را میسازند، زیرا در نظام

اصالت وجودی، صورت، مناط شخصیت در موجودات مرکب از ماده و صورت است. ازاینرو، هر آنچه سبب استکمال این صورت نفسانی شود، موجب رشد و تکامل شخصیتی نیز خواهد گردید.

۳- شخصیت ارادی خاص

آخرین و مهمترین مرتبه از مراتب طولی شخصیت انسانی، شخصیت ارادی و منحصربفرد انسان است. این مرتبه که مبتنی بر ادراکات و اعمال فرد است، انسان را بنحو وجودی تبدیل به نوعی خاص میکند. ملاصدرا بر این باور است که برترین جزء و کمال شخصیت انسانی، علم به حقایق اشیاء یا همان عقل نظری است. ازاینرو، شخصیت در این نظام فلسفی بر پایه آگاهی و معرفت بنا شده است. هر انسانی، بسته به میزان ادراک و آگاهی خود، در مرتبه‌یی خاص از مراتب تشکیکی وجود قرار میگیرد و بهمین دلیل، دارای شخصیت منحصر بفرد خود میشود (همو، ۱۳۹۱: ۳۹۹).

البته باید توجه داشت که ملاصدرا تنها به عوامل معرفتی توجه ندارد، بلکه اراده، میل، احساسات و دیگر ابعاد وجودی انسان را نیز در تکوین شخصیت در نظر میگیرد. او به این موضوع اشاره دارد که انسانها بر اساس آنچه میدانند و عمل میکنند، به درجاتی مختلف از موجودات همچون جن، ملک، بهیمة و... تقسیم میشوند (همو، ۱۳۸۹ب: ۴ / ۱۰۵۲-۱۰۵۱).

ملاصدرا ارزش و شخصیت اخلاقی هر فرد را بهاندازه همت و تلاش او میداند. این نکته نشان میدهد علاوه بر علم و عوامل معرفتی، او اراده، میل، احساسات و دیگر ابعاد وجودی انسان را نیز در تکوین شخصیت دخیل میداند (همو، ۱۳۸۵: ۲ / ۴۱۳).

نکته بعدی در تشریح بحث شخصیت اینست که ملاصدرا معتقد است شخصیت انسان ثابت و یکپارچه نیست، بلکه حقیقت آدمی در عین وحدت، دارای تکثر است و بر اساس حرکت جوهری اشتدادی، قابلیت تبدیل شدن به شخصیت‌هایی متفاوت مانند شخصیت حسی (کرم)، خیالی (حیوانات) یا منحنط (شیطان) را دارد. در نهایت، شخصیت حقیقی انسان بر اساس غلبه ملکات اخلاقی، نیتها و افعال مکتسبه شکل میگیرد و این صورت حقیقی نفسانی انسان را بوجود می‌آورد.

درواقع، اگر بخواهیم شکلگیری نفس و شخصیت انسانی را پس از آماده شدن نفس توسط علل معده غیرارادی از نگاه فلسفه صدرایی مطرح کنیم، باید گفت: از نظر وی، استکمال شخصیت پس از آماده شدن نفس و طی حرکت جوهری در سه مرتبه حسی، خیالی و عقلی ادامه پیدا میکند. در مرتبه حسی، نفس با ادراک محسوسات و منفعل شدن از آن، بر اساس قاعده اتحاد عاقل و معقول، عین وجود علمی مدرک خود شده و به انسان حسی تبدیل

میشود. مرتبه بعدی در راستای این استكمال، انسان خیالی است. از آنجاکه ملاصدرا معتقد است بیشتر نفوس انسانی در این دو مرتبه باقی میمانند و تنها تعداد کمی از آنها به مرتبه انسانی-عقلی میرسند، میتوان گفت قوه خیال و ادراکات خیالی مهمترین نقش را در کسب شخصیت ارادی انسان دارند. بعد از خیال، در مرتبه بالقوه عقلانی، هر اندازه قوه عاقله انسان رشد پیدا کند، شخصیت وی نیز بر اساس همان اتحاد عاقل و معقول، شدیدتر خواهد بود.

بنابراین، هرچند صدرالمتألهین تک تک اعمال انسان را در ساختار وجودی او اثرگذار میدانند، اما در نظام فکری وی، تمام ادراکات و افعال مبتنی بر آنها، بطور مستقیم در شخصیت ارادی خاص انسان صدرایی دخیل نیستند و تنها اعمالی که از طریق تکرار، به ملکه و هیئت راسخ در وجود انسان تبدیل میشوند، شخصیت حقیقی و ارادی انسان را میسازند (همو، ۱۳۹۸: ۸/ ۳۸۲).

تشخیص اینکه از میان عوامل مؤثر بر شکلگیری شخصیت انسان، کدامیک نقشی مهمتر دارد یا میزان اثرگذاری هریک چه اندازه است، بسیار مشکل و حتی غیرممکن است. همانطورکه امروزه برخی روانشناسان تأثیر عوامل ژنتیکی را بسیار مهمتر از سایر عوامل میدانند و تأثیر سایر عوامل را وابسته و منوط و تحت تأثیر ژنها میپندارند، در فلسفه صدرایی نیز

بهمین منوال است و با وجود اینکه تعیین میزان تأثیر عوامل کار بسیار مشکلی است، اما نکته اساسی و مهمی که ملاصدرا در این مورد به آن اشاره مستقیم دارد، زوالپذیری تأثیرات محیطی است. بعقیده او، آن دسته از تأثیرات که علل محیطی دارند، با از میان رفتن علت خود، از بین رفته و فرد به طبیعت خودش بازمیگردد (همو، ۱۳۸۹ب: ۱/ ۱۵۲). در حقیقت، اگرچه ملاصدرا تأثیر علل محیطی را انکار نمیکند، اما در شکلگیری شخصیت غیرارادی انسان، آنچه از نظر او اصل و اساس است، اختلاف فطری نفوس انسانی است؛ و همانطورکه گفتیم، این اختلافات به عوامل وراثتی پیش از تولد مرتبط است، چراکه بر اساس رابطه‌یی که ملاصدرا از نفس و بدن بتصویر میکشد، این بدن انسان است که در طی حرکت اشتدادی جوهری، استعداد پذیرش نفسی خاص را پیدا میکند و نفس امتداد حرکت جوهری بدن است.

همین دیدگاه ملاصدرا باعث شده اختلاف عقول بشری را ناشی از اختلاف در اصل فطرت بدانند:

بل الحق ان جواهر النفوس الانسانية في اصل الفطرة مختلفة في الاشراق والكدورة والضياء والظلمة؛ بدرستی که جواهر نفسهای انسانی در اصل فطرت خود در درخشندگی و کدورت، روشنی و تاریکی با یکدیگر متفاوتند (همو، ۱۳۸۴: ۱/ ۹۰).

بطور خلاصه میتوان گفت: انسانی که صدرالمتألهین ترسیم میکند، از طریق حرکت جوهری اشتدادی و البته غیرارادی وجودی خود، مراحل جمادی و نباتی را پشت سر گذاشته و به حیوانیت میرسد. تا این مرحله، انسان فاقد شخصیت ارادی است. این انسان که هنوز انسان بالفعل محسوب میشود، بر اساس عوامل وراثتی، ویژگیهای والدین، تأثیر از معلم و محیط، شخصیتی بالقوه می‌یابد که این استعداد را دارد که با انجام افعال ارادی و بهره‌گیری از اختیار خود، به بالاترین تا پایتترین مرتبه وجودی دست یابد. بهمین دلیل است که ملاصدرا این بخش از شخصیت انسانی را زیربنا و پایه شخصیت ارادی وی میداند (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۰۲-۱۰۰).

درنهایت و با در نظر گرفتن آنچه تا اینجا درباره مفهوم شخصیت و شکلگیری آن در اندیشه صدرالمتألهین بیان شد، میتوان شخصیت را در فلسفه صدرالمتألهین چنین تعریف کرد:

ساختاری وجودی پویا با منشأ جسمانی، مبتنی بر فطرت مشترک اولیه آدمی، با روندی جسمانی-روحانی، متأثر از شخصیت غیرارادی پایه تشکیکی که بر اساس نیت، افعال و ملکات مکتسبه هر شخص در مرتبه شخصیت ارادی، نوع رفتار، افکار و درنهایت، نوع سعادت و شقاوت آدمی را در نشئات وجودی تعیین میکند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱۵).

تعریف رسانه

اصطلاح رسانه (Media) را اگر از ریشه لاتینی مدیوس (Medius) بمعنای میانی بدانیم، به مفهوم مجرای انتقال اطلاعات است؛ البته مجرای که از حیث انتقال و نمایش اطلاعات در هر رسانه، با توجه به ظرفیت آن، متفاوت است (حکیم‌آرا، ۱۳۳۸: ۸). محسنیان راد در رسانه‌شناسی خود بیان میکند که نخستین بار برای یکجا معرفی کردن انواع رسانه‌ها، از اصطلاح وسایل ارتباط توده‌یی (Mass media) استفاده شده است، اما در اولین ترجمه مقاله‌ها و کتابهای این حوزه، بجای کلمه توده، جمع را بکار بردند و بعد از انقلاب نیز بتدریج اصطلاح جدید رسانه جایگزین وسایل ارتباط جمعی شد. وی مدیا را هم‌ریشه «Mediation» میداند، بمعنای فراگرد تبدیل آنچه رخ میدهد به آنچه انتشار می‌یابد (محسنیان راد، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۱).

ما چه رسانه را میانه بدانیم و چه فراگرد، هر رسانه دارای ویژگیهای منحصر بفردی است که چگونگی وضع روانشناختی مخاطب در معرض خود را رقم می‌زند.

الف) نظریه‌های رسانه

امروزه شاخه‌هایی گوناگون از علم به بررسی تأثیرات رسانه بر مخاطب پرداخته‌اند. نظریات پیرامون تأثیرات رسانه‌ها، سیر تاریخی طولانی را تا به امروز طی کرده است. دنیس

مک‌کوایل معتقد است هنوز در مورد میزان وقوع و نوع تأثیر رسانه‌ها شک و تردیدهای بسیاری وجود دارد. با این حال، میتوان سه مرحله عمده در تاریخ نظریه‌های رسانه‌ها مشاهده نمود.

در مرحله اول که تا دهه ۱۹۳۰ ادامه داشت، رسانه‌ها دارای قدرتی فراوان بودند. برای شکل دادن به عقاید و باورها، دگرگون کردن عادات زندگی و ترویج رفتارهایی کمابیش مطابق میل کنترل‌کنندگان رسانه‌ها و محتواهای آنها دارای قدرتی فراوان بودند.

در مرحله دوم، از آغاز دهه سی تا اوایل دهه شصت میلادی، تأکید دوباره بر فهم متعارف و تشخیص نقش معتدلتری برای رسانه بجای یک نقش قدرتمند در تعیین آثار برنامه‌ریزی شده و ناخواسته محصولات رسانه‌یی بود. در این مرحله، عوامل اجتماعی و فرهنگی در شکل دادن به عقاید، نگرشها و رفتار مورد مطالعه، نقش درجه اول را دارند و انتخاب، توجه و پاسخگویی به رسانه از سوی مخاطبان را تعیین میکنند.

مرحله سوم - که مک‌کوایل معتقد است هنوز در آن بسر میبریم - مرحله بازگشت به رسانه‌های قدرتمند است که در آن تأثیرات بالفعل و بالقوه مورد توجه است؛ اما این تأثیرات مبتنی بر برداشتهای اصلاح شده و جدید از فرایندهای اجتماعی و رسانه‌یی

مرتبط با موضوع مطالعه میشوند (مک‌کوایل، ۱۳۸۵: ۳۶۱-۳۵۵).

ب) الگوهای آثار رسانه

الگوهای آثار رسانه‌ها برگرفته از نوع نگاه به رسانه، از یکسو و انسان، از سوی دیگر است. رویکردها به تکنولوژی رسانه (جبرانگاری، ابزارانگاری، پدیدارنگاری) و نیز رویکردهای انسانشناختی (ذات‌گرایی، نام‌گرایی و ساختارگرایی) از عوامل مؤثر در تحقیقات در حوزه تأثیرات رسانه و نیز تفسیر نتایج حاصل از این پژوهشهاست.

الگوی آثار مستقیم: این الگو به ارتباط مستقیم چیزی که مخاطب میبیند، میشنود و میخواند، با نحوه رفتارش اشاره دارد. طبق این الگو، اثرها سرعت و با تأثیر مشابه روی همه مخاطبان ظاهر میشود. در واقع، در این الگو پیامها، مشابه، شیوه انتقال و دریافت آنها، مشابه و نحوه تأثیرشان در افراد، مشابه و البته شدید فرض شده است. این اثرها هماهنگ با اهداف تولیدکنندگان رسانه هستند و میتوانند آثار شناختی، عاطفی و رفتاری بدنبال داشته باشند. این الگو بدلیل ویژگیهایی که ذکر کردیم، به الگوی گلوله‌های جادویی، تزریق زیرپوستی یا سوزن تزریق شهرت یافت. گلوله‌های جادویی و نامرئی در ذهن افراد نفوذ کرده یا بمثابه سوزنهای زیرپوستی، زهرهایی به انسان تزریق

میکنند. این فرضیه، تولیدکنندگان رسانه را دارای افکاری نامطلوب بشمار می‌آورد و مخاطبین را یکسان، بی‌اراده و منفعل فرض میکند؛ عبارتی، نقش او را در فرایند اثربخشی رسانه نادیده می‌گیرد. اجزاء ساختاری و محتوایی رسانه، قدرت و میزان برانگیختگی محتوا برای مخاطب و شبیه‌سازی جهان واقعی، از متغیرهای مهم این الگوست (هاریس، ۱۳۹۲: ۶۵)

الگوی آثار شرطی: بمرور و با انتقاداتی که متفکران حوزه روانشناسی رسانه به الگوی آثار مستقیم وارد ساختند، قدرت انتخاب، نادیده‌گیری و مقاومت در برابر پیام رسانه جای خود را در پژوهشهای رسانه‌یی باز کرد و الگوهای جدید در حوزه نظریات رسانه مطرح شد. الگوی آثار شرطی از ایندست موارد است. طبق این الگو که بر نقش مخاطب تأکید دارد و بنوعی یک الگوی اثرها انتخاب‌شده بر پایه تفاوت‌های فردی است، نمیتوان آثار واقعی رسانه‌ها را نادیده گرفت؛ اما این آثار در شرایط خاص و بر مخاطبان خاص وارد میشود. اینگونه نیست که افراد مختلف پیامی مشابه را بشیوه کاملاً مشابه دریافت و درک کنند و حتی نحوه پاسخ‌دهی آنها به یک پیام یکسان مشابه باشد. مثلاً، یک برنامه خشونت‌آمیز که بر پایه الگوی آثار مستقیم، تمام مخاطبان را به انجام عمل خشونت‌آمیز برمی‌انگیزاند، در الگوی آثار شرطی ممکن است تمایل به خشونت را در عده‌یی

افزایش دهد، ولی حساسیت برخی دیگر را در مقابل خشونت بیرنگ کند. مؤلفه‌ها و متغیرهای زیادی در میزان و نحوه اثرپذیری از رسانه‌ها نقش دارند؛ متغیرهایی نظیر: تفاوت‌های جنسی، قومی و سنی، ویژگیهای مرتبط با پیام، و حتی ویژگیهای بافت دریافت پیام (هاریس، ۱۳۹۲: ۶۶؛ پرس، ۱۳۹۳: ۷۹-۹۰).

الگوی آثار انباشتی: این الگو بازگشتی به عصر اثرهای نیرومند رسانه است، اما معتقد است اثرپذیری، نتیجه تکرار و تعدد است. الگوی آثار انباشتی بر هماهنگی و تکرار مضمونها و پیامها در رسانه تمرکز دارد. برای مثال، دیدن نمایش یک سوپرستار با الگوی پوشش خاص، اثرگذاری بسیار کمتری دارد نسبت به زمانی که نمایشهای مکرری از چنین الگوهای ارائه شود و مخاطبان تلاش نمایند با آنها همانندسازی کنند. پس طبق این الگو، باید به آثار انباشتی و تکرارشونده در بررسی تأثیر مخاطب رسانه‌ها توجه ویژه داشت (پرس، ۱۳۹۳: ۹۷-۹۳).

الگوی شناختی-تعاملی: در الگوی شناختی-تعاملی، آثار رسانه ماحصل واکنشهای شناختی مخاطب به محتوای رسانه بر اثر پردازش خودکار یا فعالیت ذهنی آگاهانه و هدفمند است. این الگو که از روانشناسی شناختی گرفته شده، به نسبت الگوهای سابق، از پیچیدگی بیشتری برخوردار بوده و بر محور

پردازش طرح‌واره‌ی استوار است. «هر طرح‌واره نوعی ساختار ذهنی است که دانش و دانسته‌های مربوط به یک مفهوم را بازنمایی میکند. طرح‌واره‌ها شامل ویژگی‌های یک مفهوم و پیوندهای میان این ویژگی‌هاست» (همان: ۹۷). بخش تعاملی در این الگو به این دلیل آورده شده که در آن، هم محتوای رسانه و هم ویژگی‌های مخاطبان، دو متغیر مهم در فهم آثار رسانه بشمار می‌آیند. پردازش طرح‌واره‌ها به دو شکل صورت می‌گیرد: کنترل‌شده و خودکار. در پردازش کنترل‌شده، کنش‌های ذهنی فرد در برخورد با یک محتوای رسانه‌ی معطوف به هدف است و فرد طرح‌واره‌ی را برمیگزیند که در دستیابی به هدف به او کمک کند، اما اغلب اوقات، استفاده از رسانه کنترل‌شده نیست و پیام رسانه میتواند طرح‌واره‌ی خاص را فعال کند (همان: ۱۰۲-۹۹).

پرس بر این باور است که هیچیک از الگوها بتهایی تفسیری کامل از آثار رسانه‌ها ارائه نمیدهد و کاملترین تفسیر، حاصل ترکیب الگوها با یکدیگر خواهد بود.

ج) انواع آثار رسانه‌ها

هر رسانه از طریق تصویری که در اذهان مخاطبان خود ایجاد میکند، بنحوی جهانبینی او را شکل میدهد. برخی پژوهشگران این آثار را

معمولاً بصورت اموری شناختی، عاطفی یا رفتاری توصیف میکنند، و بعضی دیگر، آثار زیست‌شناختی و فیزیولوژیک را نیز به آنها می‌افزایند. در اینجا ما چهار دسته از آثار را ذکر میکنیم و از آثار زیست‌شناختی که تنها در روش‌های اندازه‌گیری و پژوهش کاربرد دارند، چشم می‌پوشیم.

آثار رفتاری: بدیهیترین و مورد انتظارترین اثر رسانه که برای بسیاری افراد مشهود است، آثار رفتاری است. این آثار همان واکنش‌های مشهود و آشکار مخاطب در رویارویی با رسانه است. افراد بعد از مشاهده الگوی رفتاری خاص در رسانه، به انجام آن عمل مبادرت می‌ورزند (هاریس، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۷).

آثار نگرشی: این دسته آثار که با عنوان آثار عاطفی نیز شناخته میشوند، مرتبط با شکلگیری نگرش یا ارزیابی مثبت و منفی درباره امور است. واکنش‌های عاطفی به محتوای رسانه‌ها یا شکلگیری احساسات نسبت به یک شیء یا شخص در نتیجه مواجهه با رسانه، از این دست آثار است (همان: ۶۸).

آثار شناختی: حوزه اثرگذاری این دسته آثار، دانسته‌ها و افکار ماست. این اثرها آنهایی هستند که به کسب اطلاعات مربوط میشوند. چگونگی شکلگیری باورها یا بازسازی آنها نیز تحت تأثیر این دسته آثار است (همان: ۶۹).

بررسی تأثیر رسانه بر شخصیت انسان

صدرایی

در نخستین نگاه به تأثیر رسانه بر شخصیت، با کلیدیترین واژه انسانشناسی صدرایی، یعنی نفس مواجهیم. تعریف ما از نفس نقش کلیدی در نحوه تحلیل آثار رسانه بر شخصیت دارد. هر تعریفی که از نفس ارائه دهیم، چارچوب فکری ما را درباره چگونگی تأثیرگذاری رسانه بر انسان مشخص میکند. در واقع، مبنای فلسفی ما در تعریف نفس، تعیین میکند که رسانه چگونه و تا چه حد میتواند بر شخصیت اثر بگذارد. اگر نفس را صرفاً کمال اول جسم طبیعی آلی بدانیم (دیدگاه مشائی)، در این دیدگاه، نفس بیشتر بعنوان یک قوه درونی در بدن دیده میشود که تنها بر اعمال جسمانی و رفتارها اثر میگذارد. رسانه‌ها میتوانند دانش و اطلاعات ما را تغییر دهند، اما در جوهر ما تغییری ایجاد نمیکنند. اثر رسانه در این چارچوب، محدود به تحریک قوای مختلف است:

قوه حسی → تأثیر رسانه بر ادراکات حسی

(مثل تأثیر تصاویر و موسیقی)

قوه خیالی → اثرگذاری بر تصورات و

تخیلات (مثل داستان‌پردازی و تبلیغات)

قوه عقلی → تأثیر بر استدلالها و باورها

(مثل مباحث فلسفی و علمی)

در این دیدگاه، رسانه فقط یک ابزار است که میتواند فکر و احساسات ما را تحت تأثیر قرار دهد، اما ماهیت و جوهر نفس را تغییر نمیدهد.

اگر نفس را مبدأ رفتارها بدانیم (دیدگاه دینامیک و عمل‌گرایانه‌تر از مشاء)، در این دیدگاه، رسانه‌ها نه تنها آگاهی و احساسات را تحت تأثیر قرار میدهند، بلکه میتوانند الگوهای رفتاری را تغییر دهند. رسانه میتواند شخصیت را بمرور زمان تغییر دهد، زیرا رفتارهایی جدید را شکل میدهد که میتوانند بر ساختار ذهنی انسان اثر بگذارند. این نگاه به رسانه، آن را یک عامل قوی در تغییر سبک زندگی و فرهنگ میبیند. در نتیجه، رسانه نه تنها بر سطح دانش و احساسات اثر میگذارد، بلکه بمرور زمان، رفتارها را تغییر میدهد و این تغییرات میتوانند بر شخصیت نیز اثرگذار باشند.

اگر نفس را حقیقتی متحرک و در حال تکامل بدانیم، آنگونه که ملاصدرا با حرکت جوهری تشریح میکند، در این دیدگاه، نفس یک حقیقت ثابت نیست، بلکه در حال حرکت و تکامل است. هر تجربه‌یی که انسان از رسانه‌ها دریافت میکند، در جوهر نفس او تأثیر میگذارد و آن را تغییر میدهد. هر چه را که انسان میفهمد، بخشی از وجودش میشود؛ اگر فرد دائماً در معرض اخبار منفی باشد، این محتوا فقط یک «اطلاع» باقی نمیماند، بلکه بخشی از شخصیت او میشود

و او را به فردی بدبین و نگران تبدیل میکند. همچنین اگر فردی زمان زیادی را در شبکه‌های اجتماعی بگذراند که ارزشهای سطحی را تبلیغ میکنند، این امر در حرکت جوهری او اثر گذاشته و شخصیت او را بسوی سطحی‌نگری و روزمرگی سوق میدهد. بنابراین رسانه فقط «وسیله انتقال اطلاعات» نیست، بلکه عامل دگرگونی در شخصیت و جوهر نفس است. در این دیدگاه، رسانه نه تنها بر رفتار و افکار اثر میگذارد، بلکه میتواند جوهر وجود انسان را تغییر دهد و مسیر تکامل یا سقوط او را تعیین کند.

پس با توجه به آنچه از مبانی صدرایی در ابتدای پژوهش مطرح شد، اگر بدنبال مفهوم شخصیت در اندیشه ملاصدرا هستیم، آن را میتوان در پرتو نظریه شاکله و حرکت جوهری تحلیل کرد. در این نگاه، شخصیت صرفاً مجموعه‌یی از ویژگیهای ثابت یا ذاتی نیست، بلکه حقیقتی سیال و در حال شدن است که در طول زندگی فرد، متأثر از عوامل مختلف، شکل میگیرد و تکامل می‌یابد. واژه شاکله در فلسفه صدرالمتهالین به ساختار وجودی انسان اشاره دارد که نه تنها شامل ویژگیهای فطری و اکتسابی است، بلکه در مسیر حرکت جوهری دستخوش تغییر و تحول قرار میگیرد. شخصیت، برخلاف دیدگاههای ایستا، دارای مراتب مختلف وجودی است که فرد میتواند در طول زندگی، از مرتبه‌یی

به مرتبه بالاتر یا پایینتر حرکت کند. در این نگاه، شخصیت انسان برخلاف دیدگاههای جبرگرایانه، امری از پیش تعیین شده نیست، بلکه بواسطه حرکت جوهری نفس، تغییر میکند و بسته به انتخابها، افعال و نوع مواجهه فرد با محیط، میتواند تعالی یابد یا تنزل کند. در این رویکرد، شخصیت نتیجه ترکیبی پیچیده از عوامل درونی و بیرونی است که هرکدام در حرکت جوهری نفس اثر میگذارند.

در جمع‌بندی، فلسفه صدرایی نه مانند دیدگاههای جبرگرایانه، شخصیت را امری کاملاً ثابت و وابسته به وراثت و محیط میداند و نه مانند دیدگاههای اگزیستانسیالیستی، انسان را کاملاً مستقل از پیشینه خود میندازد، بلکه شخصیت، نتیجه تعامل عقل، اراده و عوامل بیرونی تلقی شده که در مسیری پویا و در حال شدن است.

نقش «ملکات» در پایداری شخصیت

در فلسفه ملاصدرا، شخصیت انسان یک حقیقت پویا و در حال شدن است که تحت تأثیر عوامل مختلف، از جمله حرکت جوهری نفس، محیط و اراده فردی شکل میگیرد. یکی از نکات کلیدی این دیدگاه، تمایز میان تأثیرات زودگذر و تأثیرات پایدار بر نفس انسان است. ملاصدرا معتقد است تأثیرات بیرونی، از جمله محیط و رسانه، تنها در

صورتی بر شخصیت ماندگار خواهند بود که به ملکه‌های نفسانی تبدیل شوند. وی از مفهوم ملکه برای توصیف ویژگی‌هایی استفاده میکند که بر اثر تکرار و رسوخ در نفس، بخشی از ذات انسان میشوند. بر این اساس، تأثیرات بیرونی (از جمله رسانه)، ابتدا حالتی زودگذر دارند و نمیتوانند شخصیت را بطور پایدار تغییر دهند؛ آنچه شخصیت نهایی فرد را می‌سازد، ویژگی‌هایی است که با تکرار و تمرین، در نفس رسوخ میکنند و به ملکه تبدیل میشوند. ملاصدرا این فرایند را در چارچوب حرکت جوهری تحلیل میکند؛ یعنی نفس انسان تحت تأثیر افعال مکرر، تغییر ماهوی می‌یابد و از یک مرتبه وجودی به مرتبه‌ی دیگر، صعود یا سقوط میکند. در نتیجه، رسانه تنها زمانی میتواند شخصیت را بطور پایدار متحول کند که محتوای آن در فرایندی انباشتی و مداوم ارائه شود و فرد مکرر در معرض پیام‌های خاص قرار گیرد.

در مواجهه کوتاه‌مدت با رسانه، تغییرات در شخصیت فرد سطحی و ناپایدار خواهد بود. برای مثال، اگر فردی برای مدتی محدود، در معرض محتوای انگیزشی، اخلاقی یا حتی مخرب قرار گیرد، این تأثیر پس از مدتی کمرنگ میشود و از بین میرود، اما اگر بطور مداوم در معرض رسانه‌هایی با محتوای خاص قرار گیرد، این تأثیرات در ذهن و نفس او نقش مینندد. در

این شرایط، محتوای رسانه‌ی درونی شده و به یک الگوی فکری و رفتاری دائمی تبدیل میشود. چنین فرایندی میتواند شخصیت ارادی فرد را تغییر دهد و مسیر حرکت او را در زندگی مشخص کند.

نکته مهم دیگر در نگاه صدرایی اینست که نفس انسان تحت تأثیر اراده و اختیار او قرار دارد؛ بهمین دلیل، هرچند رسانه میتواند زمینه‌ساز تغییر شخصیت باشد، اما این تغییرات تنها زمانی حقیقت وجودی فرد را متحول میکنند که شخص، بصورت ارادی و با استمرار، در مسیری خاص حرکت کند. اگر فردی آگاهانه در برابر محتوای رسانه‌ی نقادانه بیندیشد و گزینشی عمل کند، میتواند مانع از تبدیل این محتواها به ملکه‌های پایدار شود؛ اما اگر مواجهه بدون آگاهی و منفعلانه باشد، احتمال درونی شدن و تبدیل شدن این آثار به ملکه‌های نفسانی بسیار بالا میرود. بنابراین بر اساس تحلیل صدرایی، رسانه یک ابزار است و نوع استفاده از آن، تعیین میکند که شخصیت فرد در چه مسیری حرکت کند. اگر رسانه محتوایی عقلانی، معنوی و اخلاقی ارائه دهد و فرد نیز با اختیار و اراده خود آن را بپذیرد، این تأثیرات به ملکات مثبت تبدیل میشوند و باعث رشد شخصیت او خواهند شد، اما اگر فرد بدون تفکر و آگاهی، در معرض رسانه‌های سطحی و مضر قرار گیرد، این تأثیرات بتدریج

در نفس او رسوخ کرده و منجر به سقوط شخصیت وی خواهند شد. بنابراین، رسانه میتواند هم عامل تربیت و تعالی نفس باشد و هم عاملی برای تضعیف و زوال شخصیت، بسته به اینکه چگونه و تا چه اندازه بر نفس تأثیر بگذارد.

الگوهای آثار رسانه و شخصیت صدرایی

بر اساس آنچه تاکنون مطرح شد، میتوان الگوهایی که روانشناسی رسانه برای تأثیرات رسانه ارائه کرده را با مباحث صدرایی تحلیل نمود. گفتیم الگوهای تأثیرگذاری رسانه به چهار الگوی اصلی تقسیم میشوند: الگوی آثار مستقیم، الگوی آثار شرطی، الگوی آثار انباشتی و الگوی آثار شناختی-تعاملی. این الگوها در طول زمان و بر اساس ناکارآمدی برخی از آنها در تبیین رفتارهای انسانی در مواجهه با پیامهای رسانه‌یی، شکل گرفته‌اند. بررسی تأثیر رسانه بر شخصیت از منظر حکمت متعالیه صدرایی، ابعادی جدید را به درک این تأثیرات اضافه میکند. بویژه، دیدگاه حرکت جوهری نفس در اندیشه ملاصدرا میتواند چارچوبی برای فهم پویایی تأثیر رسانه بر ساحت‌های مختلف شخصیت انسانی فراهم کند.

الگوی آثار مستقیم و مرتبه حسی

شخصیت: الگوی آثار مستقیم رسانه‌یی که در آن پیامها بدون واسطه و پردازش شناختی، به

مخاطب منتقل میشوند، بیشترین ارتباط را با مرتبه حسی شخصیت دارد. در این مرتبه، ادراک انسان در حد دریافت‌های حسی اولیه است و هنوز وارد فرایندهای پیچیده‌تر شناختی و انتزاعی نشده است. این مسئله میتواند توضیح دهد که چرا پیامهای رسانه‌یی با ساختارهای احساسی و هیجانی، مانند تبلیغات تجاری یا اخبار هیجان‌انگیز، تأثیری بیشتر بر مخاطبانی میگذارند که در مرتبه حسی شخصیت باقی مانده‌اند. از منظر صدرایی، این سطح از تأثیرگذاری، حداقلترین شکل اثر رسانه بر نفس انسان است و در افرادی که حرکت جوهری آنها بسمت تعقل نرفته، ماندگارتر است. بهمین دلیل، رسانه‌ها اغلب در تلاشند پیامهای خود را بگونه‌یی طراحی کنند که بدون نیاز به پردازش ذهنی عمیق، بلافاصله مورد پذیرش قرار گیرد.

الگوی آثار شرطی و انباشتی در مرتبه

خیالی شخصیت: در مرحله بعد، یعنی مرتبه خیالی شخصیت، تأثیر رسانه بصورت تدریجی و مشروط ظاهر میشود. در این سطح، رسانه نه تنها به احساسات، بلکه به تخیل و حافظه فرد نیز دسترسی دارد. بهمین دلیل، روایتهای رسانه‌یی، کلیشه‌های فرهنگی و تصاویر ماندگار، از طریق تأثیرات انباشتی در ذهن مخاطب شکل میگیرند. از منظر صدرایی، قوه خیال جایگاهی بین حس و عقل دارد و در افرادی که هنوز به

تعقل کامل نرسیده‌اند، تأثیر رسانه می‌تواند بسیار عمیق باشد. رسانه‌ها با تکرار پیامها، ایجاد انگاره‌های ذهنی و استفاده از تصویرسازیهای مؤثر، میتوانند برداشتهای عمومی درباره موضوعات مختلف را شکل دهند. بهمین دلیل، تبلیغات سیاسی، کلیشه‌های جنسیتی یا انگاره‌های فرهنگی، معمولاً بر این سطح از شخصیت اثرگذارند.

الگوی شناختی-تعاملی و مرتبه عقلانی

شخصیت: سرانجام، الگوی شناختی-تعاملی رسانه که بر پایه واکنشهای آگاهانه مخاطب استوار است، بیشترین ارتباط را با مرتبه عقلانی شخصیت دارد. در این مرحله، فرد نه تنها پیامهای رسانه‌یی را دریافت میکند، بلکه آنها را تحلیل کرده، بچالش میکشد و با دانش و ارزشهای درونی خود مقایسه میکند. بر اساس فلسفه ملاصدرا، انسان در مسیر حرکت جوهری بسوی تعقل پیش میرود و هرچه به مرتبه عقلانی نزدیکتر شود، تأثیرپذیری ناآگاهانه از رسانه کاهش می‌یابد. در این سطح، فرد از مهارت تفکر انتقادی بهره میبرد و میتواند میان پیامهای رسانه‌یی تمایز قائل شود. بهمین دلیل، مخاطبانی که در این مرتبه از رشد شخصیت قرار دارند، کمتر دچار سوگیریهای رسانه‌یی میشوند و میتوانند در مواجهه با رسانه، به انتخابهای آگاهانه دست بزنند.

بررسی چهار الگوی تأثیر رسانه با توجه به مراتب شخصیت در اندیشه صدرایی نشان میدهد که میزان تأثیرپذیری افراد از رسانه، بستگی مستقیمی به سطح شناختی و مرتبه وجودی آنها دارد. هرچه فرد در مسیر رشد عقلی پیشرفت کند، کمتر در معرض تأثیرات ناآگاهانه و هیجانی رسانه قرار میگیرد و نقشی فعالتر در پردازش اطلاعات رسانه‌یی ایفا میکند.

انواع تأثیرات رسانه و شخصیت انسان صدرایی

در پژوهشهای مرتبط با تأثیرات رسانه بر انسان، سه نوع اثر عمده شناسایی شده است: تأثیرات شناختی، تأثیرات عاطفی-نگرشی و تأثیرات رفتاری. ابتدا محققان بر این باور بودند که این سه دسته تأثیرات بصورت ترتیبی و بر اساس یک سیر طبیعی بروز میکنند؛ بدین معنا که نخست، رسانه‌ها با انتقال اطلاعات، باعث افزایش آگاهی و شناخت فرد میشوند، سپس، این شناخت منجر به شکلگیری نگرشها و احساسات خاص در فرد میگردد و در نهایت، این تغییرات شناختی و عاطفی به تغییرات رفتاری منجر میشوند. بیان دیگر، تصور میشد که تأثیر رسانه‌ها از مسیر آگاهی آغاز شده و به رفتار ختم میشود. اما در پژوهشهای اخیر، این دیدگاه سنتی بچالش کشیده شده است. محققان متوجه شده‌اند که ترتیب این تأثیرات ممکن

است ثابت و از پیش تعیین شده نباشد؛ بعبارت دیگر، امروزه این فرض مطرح شده که افراد ممکن است در مواجهه با رسانه‌ها، ابتدا تأثیرات عاطفی و رفتاری را تجربه کنند و سپس بمرور زمان، به شناخت و آگاهی برسند. این تغییر در رویکرد نشاندهنده پیچیدگیهای بیشتری در نحوه اثرگذاری رسانه‌ها بر انسان است، بویژه در دنیای معاصر که احساسات و رفتارها میتوانند مستقل از شناخت و آگاهی، بسرعت تحت تأثیر پیامهای رسانه‌یی قرار گیرند.

از منظر فلسفه اسلامی، بویژه نظریات ملاصدرا، میتوان توضیحی عمیقتر برای این نوع تغییرات ارائه کرد. بر اساس نظریه حرکت جوهری، نفس انسان در سیر تکاملی خود، از مراتب ابتدایی حسی آغاز کرده، به خیال میرسد و در نهایت، به مرتبه عقلانی صعود میکند؛ اما نکته مهم اینست که هیچیک از این مراحل بطور کامل حذف نمیشوند، بلکه در لایه‌های وجودی فرد باقی میمانند و در سطوح بالاتر، به فعلیتهایی جدید میرسند. این بینش میتواند توضیح دهد که چرا برخی افراد، ابتدا بلحاظ عاطفی و رفتاری تحت تأثیر رسانه قرار میگیرند و سپس شناخت آنها شکل میگیرد. اگر فردی در مرتبه خیالی یا حسی شخصیت خود باقی مانده باشد، محتوای رسانه‌یی میتواند مستقیماً بر احساسات و رفتار او اثر بگذارد، بدون آنکه یک فرایند شناختی عمیق در ابتدا رخ دهد؛ اما در افرادی که به

سطوح بالاتر شناختی رسیده‌اند، پیامهای رسانه‌یی ابتدا به تحلیل و ارزیابی عقلانی سپرده میشوند و سپس احساسات و رفتار تحت تأثیر قرار میگیرند.

تأثیرات عاطفی؛ سطح خیال و حواس:

افرادی که در مرحله خیال یا حواس نفس قرار دارند، بیشتر تحت تأثیر محتوای احساسی رسانه قرار میگیرند. رسانه‌هایی که بر احساسات، تصاویر قوی و موسیقیهای اثرگذار متکی هستند، بیشترین نفوذ را در این گروه دارند. تبلیغات احساسی، محتواهای احساسی در شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌هایی که بر هیجان و احساسات تمرکز دارند، اغلب مستقیماً بر این مرتبه از نفس تأثیر میگذارند. در این مرحله، قوای خیالی و حسی نقش غالب دارند؛ بنابراین، رسانه میتواند احساسات را تحریک کرده و بطور غیرمستقیم، رفتار افراد را شکل دهد. افراد در این مرحله بشدت تأثیرپذیرند، زیرا شناخت و عقلانیت در آنها هنوز به سطح بالایی نرسیده است.

تأثیرات شناختی؛ سطح عقل نظری:

سطح عقلانی، فرد قدرت تحلیل و پردازش اطلاعات رسانه‌یی را دارد. در این سطح، محتوای رسانه‌یی میتواند مفاهیم جدید، اطلاعات علمی، تحلیلهای عمیق و دیدگاههای مختلف را به مخاطب منتقل کند، اما این تأثیرگذاری به میزان فعالیت عقل نظری فرد بستگی دارد. کسانی که در این مرتبه از رشد نفس

قرار دارند، محتوای رسانه‌یی را نه تنها دریافت، بلکه تحلیل و پردازش میکنند. بهمین دلیل، در این افراد، تأثیرات رسانه‌یی آگاهانه‌تر رخ میدهد و فرد میتواند میان اطلاعات صحیح و غلط، محتوای جهتدار و بیطرف و تحلیلهای منطقی و احساسی تمایز قائل شود. این همان مرحله‌یی است که در آن سواد رسانه‌یی بیشترین تأثیر را دارد.

تأثیرات رفتاری؛ سطح عقل عملی و اراده:

تأثیرات رسانه‌یی در نهایت میتوانند به تغییر در رفتار منجر شوند. در سطح عقل عملی، افراد نه تنها پیامهای رسانه‌یی را درک و تحلیل میکنند، بلکه درمورد واکنش خود تصمیم میگیرند. این سطح از نفس بیشترین ارتباط را با اراده و انتخاب آگاهانه دارد. عقل عملی زمانی به کمال میرسد که فرد بتواند بر اساس اصول عقلانی، تصمیمات اخلاقی و رفتاری بگیرد؛ بنابراین، در این سطح، فرد میتواند تصمیم بگیرد که تحت تأثیر رسانه باشد یا نه. اگر فردی به این مرتبه از رشد نفس رسیده باشد، تأثیرات رسانه بر او نه تنها خودآگاه خواهد بود، بلکه بصورت انتخابی اتفاق می‌افتد. در مقابل، فردی که هنوز در مراتب پایینتر باقی مانده است، بطور ناخودآگاه و منفعل از رسانه تأثیر میپذیرد.

یکی از نکات مهم در حکمت متعالیه صدرایی، جایگاه اراده در تعیین سرنوشت انسان است. برخلاف بسیاری از نظریات روانشناختی

که محیط را عامل اصلی شکلگیری شخصیت میدانند، ملاصدرا بر این باور است که تأثیرات خارجی تنها زمانی در نفس انسان ماندگار و تغییرآفرین خواهند بود که به «ملکه» تبدیل شوند. این دیدگاه پیامی مهم برای تحلیل تأثیر رسانه دارد. اگر افراد نسبت به محتوای رسانه‌یی آگاهی نداشته باشند و آن را بدون پردازش بپذیرند، این پیامها به بخشی از ساختار شخصیت آنها تبدیل میشوند، اما اگر فرد بتواند با اراده خود در برابر تأثیرات رسانه‌یی ایستادگی کند، میتواند از نفوذ غیرارادی رسانه جلوگیری کند. برخلاف بسیاری از نظریات روانشناسی که بر این باورند عوامل محیطی، از جمله رسانه‌ها، تأثیرات غیرقابل بازگشت بر شخصیت انسان میگذارند، ملاصدرا معتقد است تنها آن دسته از عوامل خارجی که بصورت ملکه در نفس انسان رسوخ کنند و تأثیرات عمیق و پایدار بگذارند، میتوانند شخصیت نهایی و ارادی انسان را شکل دهند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انسان‌شناسی صدرایی بستری غنی برای تحلیل دقیق‌تر تأثیرات رسانه فراهم میکند، زیرا در این رویکرد، انسان نه صرفاً یک موجود شناختی، بلکه موجودی پویا با ابعاد حسی، خیالی و عقلانی است. این نگاه، ما را بسمت فهم دقیق‌تر از چگونگی اثرگذاری رسانه‌ها بر

شخصیت انسان هدایت میکند و در عین حال، میتواند مبنایی برای سیاستگذاری رسانه‌یی آگاهانه‌تر باشد.

در اندیشه صدرایی، حس و خیال اولین مراتب وجودی انسانند. در این مرحله، انسان بواسطه حواس خود، واقعیت را تجربه میکند و از طریق قوه خیال، آن را بازنمایی و پردازش میکند. بسیاری از رسانه‌ها، بویژه رسانه‌های تصویری مانند تلویزیون، شبکه‌های اجتماعی و بازیهای رایانه‌یی، عمدتاً بر این دو سطح اثر میگذارند. تأثیرات رسانه در این مرحله عبارتند از: تحریک هیجانات آنی و واکنشهای احساسی سریع، مانند واکنشهای فوری به اخبار یا محتوای تحریک‌آمیز در شبکه‌های اجتماعی؛ شکلدهی به تصاویر ذهنی از رویدادها، اشخاص و مفاهیم، مانند تبلیغات که از تصاویر خیالی برای تأثیرگذاری استفاده میکنند؛ و القاء پیامها بصورت غیرمستقیم و غیرتحلیلی، مثلاً نفوذ کلیشه‌های فرهنگی یا باورهای نادرست از طریق محتواهای تصویری. اگر فرد در این مرحله باقی بماند و بسمت عقلانیت حرکت نکند، مواجهه‌اش با رسانه کاملاً منفعلانه خواهد بود. از اینرو، رسانه‌هایی که صرفاً بر تحریک حواس و خیال تمرکز دارند، میتوانند حرکت جوهری انسان را دچار انحراف کرده و او را در سطح خیالی متوقف کنند.

در مرتبه عقلانی، انسان فراتر از احساسات و تخیلات عمل کرده و پیامهای رسانه‌یی را تحلیل، مقایسه و ارزیابی میکند. در این سطح، رسانه میتواند نقشی مثبت‌تر ایفا کند، بشرط آنکه محتوای آن باعث رشد اندیشه و تعمیق شناخت شود. در این سطح، مواجهه مخاطب با رسانه نه تنها منفعلانه نیست، بلکه در یک فرایند شناختی فعال، با محتوای رسانه‌یی درگیر میشود. در اینجا، ملاصدرا بر نقش اراده تأکید دارد که به انسان امکان میدهد میان پیامهای رسانه‌یی تمایز قائل شود و بر اساس یک نظام ارزشی درست، دست به انتخاب بزند.

فلسفه صدرایی نشان میدهد که رسانه‌ها میتوانند بر ابعاد مختلف وجودی انسان تأثیر بگذارند، اما نوع و شدت این تأثیر بستگی به سطح شناختی و ادراکی فرد دارد. از این منظر، یک سیاست رسانه‌یی کارآمد باید از نگاه تک‌بعدی (مثلاً صرفاً سرگرم‌کننده یا صرفاً آموزشی) پرهیز کرده و به تعادل میان تأثیرات حسی، خیالی و عقلانی توجه کند. بنابراین، برای بهره‌گیری مثبت از رسانه‌ها، نیازمند سیاستگذاری آگاهانه‌یی هستیم که مبتنی بر شناخت عمیق از ساختار وجودی انسان باشد؛ همانگونه که در حکمت متعالیه صدرایی ترسیم شده است.

منابع

ملاصدرا (۱۳۸۰) الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۲، تصحیح و تحقیق مقصود محمدی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۸۴) شرح أصول الكافي، ج ۱، تصحیح و تحقیق رضا استادی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۸۵) شرح أصول الكافي، ج ۲، تصحیح و تحقیق مهدی رجایی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۸۶) مفاتیح الغیب، ج ۱، تصحیح و تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۸۹ الف) أسرار الآيات، تصحیح و تحقیق محمدعلی جاودان، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۸۹ ب) تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، تصحیح و تحقیق محمد خواجهوی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۹۱) الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية، تصحیح و تحقیق سیدمصطفی محقق داماد، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۹۷ الف) الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۳، تصحیح و تحقیق مقصود محمدی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۹۷ ب) الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۹، تصحیح و تحقیق رضا اکبریان، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۹۸) الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۸، تصحیح و تحقیق علی اکبر رشاد، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

هاریس، جکسون (۱۳۹۲) روان شناسی شناختی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه حسن اسدزاده، اسماعیل سعدی پور و منیژه شهبازخان، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.

آشتیانی، سیدجلال الدین (۱۳۷۸) شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

احمدی، مریم (۱۳۹۹) نظریه شخصیت در نظام فلسفی ملاصدرا، پایان نامه دوره دکتری برانمایی سحر کاوندی و محسن جاهد، گروه فلسفه، دانشگاه زنجان.

احمدی، مریم؛ کاوندی، سحر؛ جاهد، محسن (۱۳۹۹) «چیستی شخصیت در نظام فلسفی ملاصدرا»، پژوهشهای هستی شناختی، شماره ۱۸، ص ۳۲۰-۲۹۷؛ Doi: 10.22061/orj.2020.1505

پرس، الیزابت ام. (۱۳۹۳) اثرات رسانه ای و جامعه، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.

حکیم آرا، محمدعلی (۱۳۸۸) روان شناسی رسانه، تهران: دانشکده صداوسیما.

رایکمن، آر. (۱۳۹۶) نظریه های شخصیت، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: ارسباران.

ریاحی، سعید (۱۳۹۹) تبیین شخصیت از دیدگاه ملاصدرا، پایان نامه دوره دکتری فلسفه، برانمایی علی اصغر احمدی و مهین رضایی، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب.

عبودیت، عبدالرسول (۱۳۸۸) درآمدی به نظام حکمت صدرایی، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).

قربانزاده، نرگس (۱۴۰۱) بررسی دیدگاه ملاصدرا درباره «شاکله» و تأثیر آن بر شخصیت انسان بر اساس آموزه های اسلامی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، برانمایی مهدیه نزاکتی، مدرسه عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، واحد خراسان.

محسنیان راد، مهدی (۱۳۹۹) رسانه شناسی، تهران: سمت.

مک کوایل، دنیس (۱۳۸۵) درآمدی بر نظریه ارتباط جمعی، ترجمه پرویز اجاللی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه.